

من يرد الله به خيراً يفقهه
في الدين.

(حديث شريف)

"کسی که خداوند به او اراده خیر فرماید
او را در امور دین داشتمند می سازد"

فقه

اسلامی

رَبِّ اشْرَخِي صَدْرِي ○
وَسَيْرُ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُّ عَقْدَةً
مِنْ لَّسَانِي ○ يَفْقِهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره ! زما سینه را پراخه کره !
او زما امر (درسالت) را ته آسان کره ! او زما
له زی خخه غوته پرانیزه ! چې (خلک) زما په
خبرو (بنه) و پوهه بیوی."

دیسمبر

صفر 1438

شماره دوصد و چهل سوم

پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت
خطاطات ایمانی

را به خریداری اقدام و آنرا به قیمت بیست هزار درهم
خریداری نمود و به استفاده مسلمین وقف و صدقه کرد.
2 - هنگامیکه رسول الله - صلی الله علیه و سلم - اراده
فرمودند تا مسجد مبارک شان از طریق خریداری زمین
مجاور توسعه بیابد ، عثمان بن عفان - رضی الله عنہ - به
سرعت به مالکین زمین تماس گرفت و آنرا به قیمت
بیست و پنج هزار درهم خریداری نمود و به مسجد رسول
الله - صلی الله علیه و سلم - اهداء کرد .

3 - در سال نهم هجرت دولت روم بعد از آنکه دولت فارس
را شکست داده بود در فکر آن شد که دولت جدید
اسلامی را که در جوار آن امپراطوری قرار دارد از میان
بردارد و در صدد تهیه لشکر و هجوم بر دولت اسلامی که
مقر آن در مدینه منوره بود برآمد ، مسلمین در حالت ضيق
و مشکل قرار داشتند ، از یکسو شدت گرمی تابستان
بود و از جانبی برخورد با امپراطوری بزرگ و عدم
آمادگی و امکانات ، در چنین حالت دشوار باید لشکری
آماده دفاع و برخورد با بزرگترین قدرت آن وقت می بود ،
رسول الله - صلی الله علیه و سلم - امر آمادگی و تشکیل
لشکر اسلامی را صادر فرمودند و نام این لشکر (جیش
العسرة) یعنی لشکر سختی و مشکل گفته شد ، صفوف
فشلده و بزرگ مسلمین آماده جهاد و دفاع بودند اما
سوال عده تجهیز این لشکر از نظر وسائل و امکانات و
مصالح آن بود ، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - به
صفوف طویل و عریض جوانان و مسلمین که آماده
اشتراك درین جهاد بودند نظر انداخته فرمودند : کی می

بسم الله الرحمن الرحيم
ذى النورين
عثمان بن عفان - رضي الله عنه -
«أصدق أمتي حياءً عثمان» حدیث شریف
صادق ترین أمت من در حیا ، عثمان است
(قسمت دوم)

مواقف عطاو سخاء :

1 - در اوائل هجرت رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم - و
اصحاب شان بمدینه منوره مسلمان ها اعم از انصار و
مهاجرین به قلت آب آشامیدنی مواجه شدند و یگانه چاه
معروفی که آب شرین داشت بنام (بئر رومه) یاد می شد ، این
چاه متعلق به یک شخص یهودی بود و آب آنرا به پیمانه
آنوقت به قیمت زیاد به فروش میرسانید و ازین لحظه
مسلمین دچار مشکلات بودند ، رسول الله - صلی الله علیه
و سلم - اظهار تمایل فرمودند : کاش در میان اصحاب شان
کسی باشد که این چاه را خریداری نموده و به استفاده
مسلمان ها وقف نماید ، عثمان بن عفان - رضی الله عنہ - به
 مجرد اطلاع ازین رغبت رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم -

عثمان بن عفان رضی الله عنه /

شاهد ورود قافله تجاری بزرگی متشکل از یک هزار اشتراک محمله گندم و روغن و مواد ارتزاقی بود ، قافله تجاری حامل تمام مواد مورد ضرورت مردم از شام وارد مدینه شد و به مقابل منزل مالک قافله (عثمان بن عفان - رضی الله عنه -) فرود آمد ، تاجر مدینه به سرعت به سروقت قافله رسیدند و هر یک خواستند مقداری از مواد قافله را خریداری نمایند ، عثمان بن عفان - رضی الله عنه - در اجتماع تجار حاضر شد و از آنها پرسید : چه قدر مفاد میدهید ؟

تجار گفتند : ده به دوازده (هر ده درهم دو درهم مفاد دارد).

عثمان گفت : کم است خریدار دیگری زیادتر میدهد .
تجار گفتند : ده به پانزده (هر ده درهم پنج درهم مفاد می کند .)

عثمان گفت : کم است خریدار دیگر زیادتر مفاد میدهد .
تجار گفتند : ما تاجر مدینه هستیم ، که می تواند بیشتر ازین مفاد بدهد ؟
عثمان گفت : الله متعال در مقابل هر یک درهم ده درهم زیادتر مفاد میدهد آیا شما حاضر هستید چنین مفاد بدهید ؟

تجار جواب نداشتند و عثمان ندا کرد : پروردگارا ! من تمام اموال و مواد این قافله را بدون قیمت و بدون حساب به فقرای مدینه اهدا کردم .

بیعة الرضوان بخاطر عثمان بن عفان رضی الله عنه
در سال (حدیبیه) یعنی سال ششم هجرت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - برای اولین بار بعد از شش سال دوری از مکه و از دیدار کعبه مشرفه اراده فرمودند تا به منظور ادائی مناسک عمره عازم مکه مكرمه گردند ، یک هزار و چهار صد نفر از اصحاب کرام - رضی الله عنهم - که همه تشنهگان زیارت کعبه مشرفه و طواف بدواند بودند به قیادت شخص رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم - از میقات (ذوالحیفه) که فعلاً بنام (ابیار علی) یاد می شود با نیت و احرام مناسک عمره تلبیه گویان (لبیک اللهم لبیک ...) روانه مکه مكرمه شدند ، بعد از رسیدن به حوالی مکه مشرکین قربیش مانع ورود شان به مکه

تواند این گروه مجاهدین را تجهیز نماید و الله (سبحان و تعالی) او را ببخاید ؟ در حالیکه همه به شمول زن و مرد حاضر شدند هر یک بقدر وسع سهم بگیرند و زنان زیورات شانرا تقدیم میکردند ، اما این امر بزرگ دست بلند و قلب نیرومند عثمان غنی را بکار داشت ، لشکر سختی و مشکل و دست عطا و سخای عثمان بن عفان - رضی الله عنه - در انتظار یگدیگر بودند . عثمان این مثال عطا و سخاء به تنهایی تمام لوازم و تجهیز این لشکر بزرگ را به عهده گرفت . ابن شهاب زهرا می گوید : عثمان بن عفان به (جیش العسرة) در غزوه (تبوک) نه صد و چهل راس شتر و شصت رأس اسپ تقدم کرد ، و عدد (هزار) را تکمیل نمود .

حدیفه میگوید : عثمان بن عفان - رضی الله عنه - بحضور رسول الله - صلی الله علیه و سلم - حاضر شد و ده هزار دینار نقد نیز تقدیم کرد ، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - در حالیکه با دستان مبارک شان دینارها را زیر و روی میکردند می گفتند : غفر الله لك يا عثمان ، ما أسررت و أعلنت ، و ما هو كائن إلى يوم القيمة . الله ترا ببخاید ای عثمان ! آنچه که در نهان و آشکارا نموده ای و آنچه که تا روز قیامت واقع شدنی است ، (الله ترا ببخشد ای عثمان !).

عبد الرحمن بن عوف - رضی الله عنه - میگوید : من شاهد بودم که عثمان بن عفان نزد رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آمد و به تجهیز (جیش العسرة) هفت صد (أقیه) طلای خالص را به حضور آنحضرت - صلی الله علیه و سلم - تقدیم کرد (یک أقیه معادل هفت مثقال است) . (خلفاء الرسول ، خالد محمد خالد) . به همین پیمانه دست بلند و قلب بزرگ و عطا و سخای عجیب را شخصی می تواند داشته باشد که رضای الله (متعال) و رسول برگزیده او را از دنیا و ما فيها و از تمام هستی و از جان و مال خود مقدم تر بداند ، عثمان بن عفان - رضی الله عنه - مثال بر جسته همین دست بلند و قلب کبیر بود (رضی الله عنه) .

4 - در عهد خلافت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - باری مسلمان ها به قحطی شدید مواد ارتزاقی مواجه شدند ، ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - به آنها گفت : إن شاء الله تا فردا گشايشی از جانب الله متعال رسیدنی است ، صبح فردا مدینه

عثمان بن عفان رضی الله عنه /

علیه وسلم . ندای بیعت دادند و در حالیکه در سایه درختی در حدیبیه ایستاده بودند تمام آن جمع اصحاب شان به منظور انتقام قتل عثمان تا پای مرگ با رسول الله . صلی الله علیه وسلم . بیعت نمودند و در پایان مراسم بیعت رسول الله . صلی الله علیه وسلم . یک دست شانرا بالای دست دیگر شان نهاده و فرمودند که اینهم دست عثمان و بیعت او است.

این بیعت مورد رضا و خوشنودی الله متعال واقع شد و به همین مناسبت بنام (بیعت الرضوان) یاد شده است ، و این آیه کریمه با بیان رضا و خوشنودی الله . عزوجل . از مؤمنانی که درین بیعت اشتراک نمودند نازل گردید : (لقد رضی الله عن المؤمنین إذ يبايعونك تحت الشجرة ، فعلم ما في قلوبهم فأنزل السكينة عليهم وأثابهم فتحا قربا . سوره الفتح : 18).

ترجمه معنی آیه کریمه : به تحقیق الله (متعال) از مؤمنان راضی گردید ، آنگاه که در زیر درخت با تو (ای پیغمبر) صلی الله علیه وسلم . بیعت کردند ، و الله از آنچه که در دلهای شان (از اخلاق و ایمان و دفاع از اسلام) نهفته بود آگاه بود پس آرامش خاطرو اطمینان قلب های شانرا فراهم نمود ، و فتح نزدیکی را پاداش شان قرارداد .

بعد از چنین نمایش وحدت و ثبات و آمادگی مسلمین ثابت شد که شایعه قتل عثمان بن عفان - رضی الله عنه - دسیسه و دروغ بود و عثمان زنده و سلامت عودت کرد و مشرکین مکه روش نرم تر اتخاذ نمودند و (سهیل بن عمرو) را که نطاق معروف و سخن دان و سخنگوی مشرکین بود بحیث نماینده جهت مذاکره بحضور رسول الله . صلی الله علیه وسلم . فرستادند ، انتخاب سهیل بن عمرو نشانه آن بود که قریش احتمال صلح را نسبت به تشدد و جنگ ترجیح داده اند ، مذاکرات صلح میان رسول الله . صلی الله علیه وسلم . و سهیل بن عمرو شروع شد و شرائط صلح در نظر اصحاب کرام - رضی الله عنهم - خیلی سنگین و ذلت بار احساس می گردید اما حقیقت این صلح فتح بزرگ برای مسلمانان بود و سوره مبارکه (الفتح) در پی همین صلح نازل شد و صحابة رسول الله . صلی الله علیه وسلم . که با نیت و لباس احرام تشنگان طوف و زیارت کعبه مشرفه بودند از دروازه های مکه

شدند و رسول الله . صلی الله علیه وسلم . با کمی تغییر خط سیر شان به محلی بنام (حدیبیه) که در حدود شانزده کلومتر از مکه فاصله دارد موقتاً اقامت نمودند ، نمایندگانی از مکه نزد رسول الله . صلی الله علیه وسلم . آمدند تا از هدف سفر شان اطلاع حاصل نمایند ، آنها به چشم سر دیدند که گروه مسلمین همه در لباس احرام هستند و کدام مطلب دیگر غیر از ادای مناسک عمره اصلاً قابل تصور نیست ، با وجود اطلاع رؤسای قریش از موضوع زیارت مسلمین بازهم به ممانعت شان اصرار نمودند ، این بار رسول الله . صلی الله علیه وسلم . اراده فرمودند تا شخصی را از جمله اصحاب کرام بحیث سفیر و نماینده خود شان جهت مذاکره با رؤسای قریش به مکه بفرستند ، به اینمنظور نخست عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - را انتخاب نمودند اما عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - به عرض رساند که عداوت و شدت و غلظت وی با قریش سابقه طولانی دارد و چون هدف مذاکره مسالمت آمیز و تسهیل ورود به مکه مکرمه می باشد برای این منظور عثمان بن عفان - رضی الله عنه - که شخصیت آرام و قابل احترام است مناسب تر خواهد بود ، رسول الله . صلی الله علیه وسلم . این پیشنهاد را پسندیدند و عثمان بن عفان - رضی الله عنه - بحیث سفیر و نماینده خاص رسول اکرم . صلی الله علیه وسلم . - جهت مذاکره و اطمینان رؤسای مکه به مکه رفت و هدف سفر رسول الله . صلی الله علیه وسلم . و اصحاب شانرا به آنها شرح نمود و اطمینان داد که کدام مطلب دیگر وجود ندارد و به مجرد ادای عمره و زیارت کعبه مشرفه پیامبر اکرم و اصحاب شان بر میگردند . بزرگان قریش به عثمان - رضی الله عنه - گفتند : تو اگر خواسته باشی می توانی بدور کعبه طواف کنی اما به کس دیگر اجازه ورود داده نمی شود . عثمان بن عفان - رضی الله عنه - گفت : من طواف را در تحت قیادت رسول الله . صلی الله علیه وسلم . نیت کرده ام ، اگر ایشان طواف نه نمایند من نمیتوانم طواف کنم . قریش به منظور امتحان مقاومت و قدرت مسلمین به طرح دسیسه ای پرداخت و عثمان بن عفان را در مکه نگه داشت و به گروه مسلمین پیغامی فرستاد که : عثمان در مکه به قتل رسید ، این خبر مسلمین را سخت تکان داد و رسول الله . صلی الله

عثمان بن عفان رضی الله عنه /

انتخاب را به عهده گرفت، سپس الزبیر بن العوام-رضی الله عنه. به نفع علی بن ابی طالب رضی الله عنه از کاندید شدن گذشت نمود، و سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه نیز صرف نظر کرد و دو کاندید علی بن ابی طالب و عثمان بن عفان-رضی الله عنهم-باقی ماندند.

عبدالرحمن بن عوف-رضی الله عنه. در خلال آن سه روز در تمام مدینه تا جاییکه توانست از مهاجرین و انصار و از هر قبیله و خانواده و از زن و مرد و پیر و جوان در مورد هر دو شخصیت بزرگ نظر خواهی نمود، سپس هر دو صحابی جلیل را دعوت نمود و خطاب به آنها گفت: من در مورد هر دوی شما از مردم پرسیدم هیچ کس نسبت به شما در نظر مرد بهتر از شما نیست مردم به شما اعتماد دارند، اکنون از شما تعهد می خواهم، هرگاه هر یک شما را به این مقام انتخاب نمایم آیا او به تطبیق عدالت متبعه است و آیا کسیکه انتخاب شد به پیروی از وی تعهد می نماید، هر دو قبول کردند و تعهد نمودند، عبدالرحمن بن عوف-رضی الله عنه. با عثمان و علی-رضی الله عنهم- وارد مسجد مبارک نبوی شدند، بزرگان مهاجرین و انصار و مردم به مسجد دعوت شدند وندای جماعت نماز صورت گرفت، مردم جمع شدند و در میان ازدحام شدید مردم عبدالرحمن بن عوف-رضی الله عنه. بر فراز منبر رسول الله، قرار گرفت و بعد از حمد و ثنا و دعای طویل نظر مثبت مردم را در مورد هر دو صحابی جلیل (عثمان و علی-رضی الله عنهم).) بیان نمود و هر دو شخصیت محبوب را نزد خود خواست و اقرار هر دو را به محضر مردم در رابطه با تجوه حکم و زعامت شان درخواست نمود و هر یک اساس خط مش شان را با اختصار اظهار نمودند، هر دو به اساس کتاب الله و سنت رسول الله. صلی الله علیه وسلم. حکم و زعامت شان را بنا نمودند با این تفاوت که علی بن ابی طالب-رضی الله عنه. بعد از حکم به کتاب الله و سنت رسول الله، اجتهاد رأی خود را اساس قرارداد و عثمان بن عفان-رضی الله عنه. بعد از حکم به کتاب الله و سنت رسول الله، روش دو خلیفه اول و دوم را قابل پیروی دانست.

عبدالرحمن بن عوف-رضی الله عنه. در حالیکه دست عثمان بن عفان را بدست خود داشت سر خود را رو به

بدون داخل شدن در آن بر می گردند و این آرزو یکسال به تعویق می افتد و مواد صلح که برای ده سال منعقد شده بود در دو سال اول از جانب مشرکین مکه نقض شد و در نتیجه آن فتح بزرگ مکه در سال هشتم هجرت صورت گرفت و قرآن کریم قبلاً (صلح حدیبیه) را فتح آشکار خوانده بود و سوره مبارکه (الفتح) چنین آغاز یافته است: (إِنَا فَتَحْنَا لَكُمْ فَتْحًا مُّبِينًا . ما برای تو (ای محمد. صلی الله علیه وسلم.) فتح آشکار فراهم ساختیم (مراد از فتح آشکار (صلح حدیبیه) و پیامدهای بزرگ آن در ختم جنگ و انتشار اسلام و توسعه و تقویه دولت جدید اسلامی بود).

(جهت اطلاع از مواد صلح حدیبیه و تفصیل مذاکرات و وقائع ما بعد آن به البوم درس های سیره النبی-صلی الله علیه وسلم. که از طرف تلویزیون اسلامی (ایمان) نشر شده مراجعه بفرمایند).

خلافت عثمان بن عفان-رضی الله عنه:-

طوریکه در خاطرات امیر المؤمنین عمر بن الخطاب-رضی الله عنه. ذکر نمودیم، عمر فاروق-رضی الله عنه. - ضمن ابتکار سیاسی عجیب روش انتخاب جانشین و اختیار خلیفه را تغییر داد، نه موضوع را خاموش گذاشت و نه شخصی را مانند ابوبکر صدیق-رضی الله عنه. کاندید نمود بل شش نفر از بزرگان صحابه را که رسول الله. صلی الله علیه وسلم. از آنها اظهار رضائیت نموده و در فضیلت و امتیاز هر کدام ارشاداتی فرموده بودند، بحیث شورای دولت معرفی کرد و تقاضا نمود که این شش نفر در خلال سه روز یکنفر شان را بحیث امیر المؤمنین و خلیفه سوم انتخاب نمایند. شورای شش نفری عبارت بودند از (عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، طلحه بن عبید الله، الزبیر بن العوام، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف-رضی الله عنهم). طلحه بن عبید الله در همان سه روز در مدینه منوره نبود، عبدالرحمن بن عوف پیشنهاد نمود یکنفر باید خودش کاندید نباشد تا رأی او در صورت تساوی آراء باعث ترجیح یک طرف شود، او (عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه) خودش از نامزد شدن به مقام خلافت صرف نظر کرد و وظیفه نظارت و اجرای

عثمان بن عفان رضی الله عنه /

روز قیامت ، روز حساب و جزاء است که هر انسان از اعمال خود در دنیا برای الله سبحانه و تعالیٰ جواب میدهد و مطابق اعمال خود جزاء (خیر یا شر) می‌بیند . روز آخرت در قرآن کریم به نامهای متفاوت و معنی واحد آمده مثلاً :

یوم القيامة ، يوم الآخر ، يوم البعث ، يوم الخروج ، القارعة ، يوم الفصل ، يوم الدين ، الصاخة ، الطامة ، يوم الحسرة ، الغاشية ، يوم الخلود ، الواقعه ، يوم الحساب ، الساعة ، يوم الخروج ، وغيره که در قرآن کریم ذکر شده است . (برای معلومات بیشتر از نامهای قیامت به : اسلام ویب ، ISLAMWEB.NET تحت عنوان: اسماء یوم القيامة مراجعه شود) .

البعث و النشور :

بعث و نشور در معنی لغوی از هم تفاوت دارند و برای هدف و مقصد متفاوت آمده است بطور مثل:

1- بعثت فلانا یعنی فرستادم شخصی را . در قرآن کریم میخوانیم « ثم بعثنا من بعدهم موسی بآیتنا إلى فرعون و ملأيه فظلموا بها فأنظر كيف كان عقبة المفسدين » (الأعراف : 103) . سپس بعد از آنها (پیامبران پیشین) موسی (علیه السلام) را با آیات (و دلائل روشن) خود به سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم، مگر آنها (نیز) ظالمانه کفر ورزیدند ، پس ببین (ای محمد صلی الله علیه وسلم) عاقبت مفسدان چگونه بود ؟

2- البعث من النوم ، یعنی بیدار کردن یا بیدار از خواب.

البعث در شریعت : إحياء اموات و بیرون شدن از قبرها به امر خداوند برای حساب و جزاء . در قرآن کریم می خوانیم « ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشکرون » (البقرة: 56) . سپس برانگیختیم شما را بعد از مرگ تان تاشید شکر گزارید .

أبو هلال می گوید : بعث خلق یعنی خارج ساختن شان از قبر و در این مورد خداوند میفرماید : « قالوا يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلين »

سقف مبارک بلند نمود و گفت: يا الله ! تو بشنو و گواه باش ، يا الله ! من آنچه از مسئولیتی که در دوش خود داشتم آنرا بر دوش عثمان گذاشت .

با شنیدن این اعلام عبد الرحمن بن عوف - رضی الله عنه - از دحام بیعت به عثمان - رضی الله عنه - شروع شد و اولین دستی که به منظور بیعت به عثمان دراز شد دست بیعت علی بن ابی طالب - رضی الله عنہ - بود (ابن کثیر و خالد محمد خالد) شخصیت حلیم و نهایت با حیا و نرم دل و محبوب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - (عثمان بن عفان رضی الله عنہ) عهده مشکل و پر ماجرا و دارای تاثیر در ساختار دولت اسلامی را به دوش گرفت و از هیبت مقام و احساس مسئولیت بزرگ نتوانست بیانیه افتتاحیه مفصل ایراد نماید و بر چند کلمه مختصراً در باره اینکه زندگانی دنیا هدف نهایی نیست ، غرور دنیا نباید ما را از یاد آخرت دور بسازد ، اکتفا نمود و وعده داد که روزهای آینده گفتار زیاد خواهد داشت .

ادامه در شماره آینده إن شاء الله /**به کدام نام خداوند سبحانه و تعالیٰ انسان را در روز****قیامت خطاب میکند ؟**

این سؤال را جناب محترم امام الله جلاله عضو بورد اکادمی افغان در فریجنا به اداره فقه اسلامی فرستاده اند .

قبل از اینکه سؤال را مورد مناقشه و بحث قرار داد مفید است تا روز قیامت را در روشنی دو مرجع قرآن و سنت بررسی نمود تا راجع به روز قیامت معلومات ابتدائی داشته باشیم .

يوم القيمة يا روز قیامت

در معتقدات اسلامی یوم القيامه یعنی نهایت جهان و حیات و در این حقیقت تمام ادیان سماوی که ریشه ابراهیمی دارند « اسلام ، مسیحیت و یهودیت » متفق اند .

البسط : معنی آن نشر و انتشار . و النشور در اصطلاح یعنی انتشار مردم از قبرها شان یا بیرون شدن از قبر برای حساب و جزا و نشور معنی آن سریان و جریان حیات در جسد اموات است یعنی زنده شدن بعد از مرگ .

روز قیامت یا یومبعث : اولین چیزیکه توجه ما را بخود معطوف می سازد آنست که خداوند بالای قیامت کلمه روز را ذکر کرده . مقیاس ما و در فکر انسان روز از آفتاب برآمدن که بنام شروق یاد میشود و تاغروب است یعنی مقدار روز در دنیا از شروق تا غروب است و این مدت زمانی را انسان میدارد .

اما روز های که خداوند در قرآن کریم از آن ذکر نموده متفاوت است مثلا :

« و إن يوماً عند ربك كألف سنة مما تعدون » روز نزد پروردگارت هزار سال است .

و « تعرج الملائكة و الروح إليه في يوم كان مقداره خمسين ألف سنة » (المعارج : 4) . فرشتگان و روح ، در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی « او » بالا می روند .

در آیه اول روز به مقدار هزار سال و در آیه دوم روز به مقدار پنجاه هزار سال آمده . عده از شرق شناسان و عده از مسلمانان که معنی آیات را نمی دانند باین عقیده اند که در قرآن کریم تناقض وجود دارد و همین دو آیه مبارکه را دلیل به تناقض در قرآن کریم می آورند (هزار سال و پنجاه هزار سال) . زمان از جمله مخلوقات خداوند است و زمان نسبی است و برای یک واقعه و حادثه خلق میشود و مقدار آنرا خداوند میدارد و به علم خود تعیین میکند . در عالم اسباب ما برای اجراء یک کار می گوییم دو یا سه روز را در بر می گیرد . هر آنچه در زندگی ما واقع میشود ضرورت و احتیاج به ظرف زمان و مکان دارد ، ظرف زمان عبارت از وقت است که در جریان آن یک حادثه انجام می شود و ظرف مکان یعنی جای و مکان که حادثه و یا واقعه در آنجا واقع می گردد و زمانیکه از دائره حوادث خارج شویم در این حالت ما حساس به زمان نمی کنیم مثلا زمانیکه انسان در خواب باشد حساس به وقت نمی کند و زمانیکه از خواب بیدار شود و بطرف ساعت نظر اندازد

(یس : 52) . می گویند : « ای وای بربما ، چه کسی ما را از آرمگاهمان برانگیخت ؟ این است همان وعده خدای رحمان ، و پیامبران راست می گفتند ».

و « يوم يبعثهم الله جميعاً فينبئهم بما عملوا أحصاء الله و نسوه والله على كل شيء شهيداً » (المجادلة : 6) . روزیکه بر انگیزد ایشانرا خدا همه یکجا پس خبر دهد ایشان را با تچه کرده بودند یاد داشت کرد آنرا خدا و ایشان فراموش کردند آن را و خدا بر همه چیز مطلع است .

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید : « يبعث كل عبد على ما مات عليه » (رواه مسلم) . هر انسان زنده میشود قسمیکه به آن مرده است .

خصوصیت انسان در قیامت : انسان در روز قیامت خلق جدیدمی شود و دارای خصوصیت های جدید میباشد مثلا هیچ واقعه سبب مرگ اش نمیشود و ملائکه و جن را می بیند .

الحشر : یعنی جمع کردن مخلوقات در روز قیامت برای دادن حساب و قضاوت بین شان .

أرض الحشر : زمین حشر ، خداوند سبحانه می فرماید : « يوم تبدل الأرض غير الأرض والسموات و بربوا لله الواحد القهار » (ابراهیم : 48) . روزی که زمین به غیر این زمین ، و آسمانها { به غیر این آسمانها } مبدل گردد ، و { مردم } در برابر خدای یگانه قهار ظاهر شوند .

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند : « يحشر الناس يوم القيمة على أرض بيضاء عفراه { خالصة البياض } كفرض النقى { الدقيق النقى } ليس فيها معلم لأحد { اى علامة كجبل أو صخرة } . روایت کرده البخاری . { ama- adlmey.blogspot.com/2014/11/blog-post_29.html }

الامة الاسلامية ، السبت 29 نویمبر 2014).

مردم حشر می شوند در روز قیامت در زمین سفید و مسطح که در آن کوه و تپه ها نیست یعنی زمین قیامت مسطح است و انسان فکر نکند که میتواند در عقب سنگ و یا کوه و یا درخت خود را پنهان می سازد . (شیخ محمد متولی الشعراوی « أحوال یوم القيمة ») .

ثقلستان فی المیزان حبیبتان إلی الرحمن: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمُ» (جامع الأصول: 4/397). دو کلمه که سبک یا خفیف است در زبان و با وزن است در میزان و دوست داشتنی است نزد خداوند: سبحان الله و بحمدہ و سبحان الله العظیم و «إِنِ اتَّقْلِ شَيْءٍ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خَلَقَ حَسْنًا وَ إِنَّ اللَّهَ يَعِظُ الْفَاحِشَ الْبَذِي» (رواه الترمذی). با وزن ترین چیز در میزان بنده در روز قیامت خلق خوب است و خداوند عمل زشت را دوست ندارد. حدیث مبارک رهنماخ خوب برای ما در حیات دنیا است و همیشه باید آن دو کلمه را بزبان بیاوریم و به آن ایمان داشته باشیم و همچنان خلق نیکو با مردم در دنیا در وقت میزان ما را از مصیبت بزرگ نجات می دهد و حسنات ما را بیشتر و با وزن تر و گناهان و خطأ های ما را کمتر می سازد و در وقت میزان انسان بیک ذره از حسنات ضرورت دارد.

به کدام نام انسان روز قیامت خطاب می شود؟

آیا انسان در قیامت بنام پدر یا مادر خطاب می شود؟ ظاهر امر این است که انسان در روز قیامت بنام های خودشان و بنام های پدران شان خطاب می شوند. از حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنہما روایت است که نبی صلی الله علیه وسلم فرمود: «الغادر یرفع له لواء يوم القيمة. يقال: هذه غدرة فلان بن فلان». در روز قیامت برای غادر بیرق بلند می شود و گفته میشود این است غدر فلان بن فلان. از مضمون حدیث مبارک باین معنی میرسیم که انسان بنام خودش و پدرش خطاب می شود. همچنان حدیث مبارک دیگر را امام بخاری باین معنی روایت می کند: در روز قیامت بنامهای خود و نامهای پدران تان خطاب می شوید، لذا نامهای خوب را انتخاب کنید. انبیاء و صحابه همه در دنیا و در حیات شان بنامهای پدران شان یاد شده اند مثلا: محمد بن عبد الله و ابوبکر بن ابی قحافه و عمر بن الخطاب و عثمان بن عفان و این خود دلیل برین است که انسان بنام خودش و بنام پدرش یاد می شود.

رسول اکر صلی الله علیه وسلم می فرمایند که نام خوب برای اولاد خود انتخاب کنید تا اینکه مردم طفل را با

میدانند که چند ساعت در خواب بوده است. انسان مالک زمان نیست بر عکس زمان است که انسان را مالک میباشد انسان نمی تواند زمان را توقف دهد تا همیشه جوان باقی ماند.

زمان مقیاس احداث است و اما مقیاس نسبی و محدود است و زمان تحت تصرف و اراده و مشیت الله سبحانه است و خداوند سبحانه و تعالی خالق زمان است و قدرت این را دارد که یک روز را به مقدار دوازده ساعت و یک روز را به مقدار یکسال و هزار سال و یا زیادتر از آن خلق کند و خداوند زمان را به مقدار واقعه و احداث خلق میکند و زمانیکه خداوند اراده کند تا این روز را خلق کند میگوید (کن) در این وقت از علم خداوند به علم مخلوقات -بشر و ملائکه- میرسد و نباید ما مقدار روز قیامت را به مقدار روز خود در دنیا مقایسه کنیم و اگر به قرآن کریم دقت و توجه نمائیم ملاحظه می نمائیم که یوم مطلق نیست لذا یوم مساوی هزار سال و یوم مساوی پنجاه هزار سال و یا زیادتر میتواند باشد. روز قیامت مقدار آن به اندازه آن است تا تمام احداث در همان یک روز خاتمه یابد به عبارت دیگر تمام حساب و تعیین جزاء در یک روز پایان می یابد و مقدار زمان روز قیامت مربوط به اراده و مشیت الهی است.

ذکر کلمه یوم در قرآن کریم نشان میدهد که ما انسانها مقدار آن را نمی دانیم و ارتباط به مشیت الله سبحانه و تعالی دارد و چیزی که می دانیم آنست که حساب فقط در همان یک روز انجام می یابد. (فضل غنی مجددی «بعد از مرگ»).

المیزان : میزان را خداوند در روز قیامت برای وزن اعمال بندگان خلق میکند. میزان دو پله دارد که قدرت وزن آسمانها و زمین را دارد و بسیار دقیق است. « و نضع الموازين القسط ليوم القيامة فلام تظلم نفس شيئاً و إن كان مثقال حبة من خردل أتياناً بها و كفابنا حاسبين» (الأنبياء: 47). و ترازو های داد را در روز رستاخیز می نهیم ، پس هیچ کس {در} چیزی ستم نمی بیند ، و اگر {عمل} هموزن دانه خردلی {دانه} سپند { باشد آن را می آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم.

اعمالی که میزان خوب انسان را بالا می برد : رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: «کلمتان خفیفتان علی اللسان و

متأسفانه در عصر عقب گرائی مسلمانان زیادتر خود و جامعه را به مسائل مشغول ساخته اند که نه نفع به دنیا دارد و نه هم به آخرت. جهان اسلام امروز در یکی از مراحل بسیار خطیر که حیات امت اسلامی را تهدید میکند قرار دارد و بزودی نقشه دوم وعد بلفور (ماه گذشته وعد بلفور اول صد ساله شد) تطبیق عملی خواهد شد و کشور هایی اسلامی یکبار دیگر توسط قوای جهانی تقسیم و امت اسلامی در آتش جنگهای مذهبی سالهای متتمادی مشغول و ملیونها مسلمان به قتل خواهد رسید. برای امت اسلام در این مرحله واجب است تا عمیق تر فکر کند و روش فکری خود را در روشنی حوادث معاصر تجدید و به فکر آینده امت باشند.

در بدلهای اینکه مسلمانان خود را در مسائل مشغول سازند که نفع و ضرر ندارد بهتر است از حساب و کتاب و محاسبه عادلانه در آخرت متوجه باشند. دنیا مزرعه آخر است و اعمال انسان در دنیا سبب نجات و یا عذاب در آخرت میباشد. امید است بزرگان و دانشمندان گرامی در مورد این بحث اگر نظریات خوبتر و متفاوت را دارند برای نشر بفرستند.

{تحقیق: فضل غنی مجددی}

{برای معلومات بیشتر از مسائل اسلامی به کتابخانه ویب

سایت «فرهنگ و ثقافت اسلامی» مراجعه فرماید «

«islaminfo.one

**ادامه نشرات فقه اسلامی ارتباط به همکاری و کمک
مادی و معنوی شما خواهان و برادران گرامی
ارتباط دارد. امید است صدقات خود را به نیت خیر
به آدرس فقه اسلامی فرستاده داخل اجر شوید.**

آدرس فقه اسلامی
Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A
Tel (510) 979 – 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
 Islaminfo.one

داشتن نام زشت در آینده مسخره نکنند و طفل زمانی که به سن بلوغ میرسد از نام خود رنج نبرد و اضافه کردند که انسان در قیامت بنام خودش و پدرش خطاب می شود . رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بعض نامهای زشت را اصلاح نمودند بطور مثال شخصی که اسم اش «قلیل» بود آنرا به «کثیر» تبدیل کرد و خانمی که اسم اش «عاصیة» بود به «جمیله» تبدیل نمود.

عدد آیه مبارکه «یوم تدعو کل اناس بیامهم» {الإسراء: 71} . {یاد کن} روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم. باین معنی فهمیده اند که إمامهم جمع أم یعنی مادر است و انسان در روز قیامت بنام مادر خطاب میشود و همچنان عده از مفسرین می گویند که مقصد از الإمام در این جا مادران اند و این تفسیر را امام قرطی ضعیف میداند.

حکمت از خطاب با سه دلیل نظریات مخالف و موافق وجود دارد اما اینکه حضرت عیسی پدر نداشت و بنام مادر خطاب می شود، بخاطر شرف امام حسن و حسین و بخاطر حفظ شرف ولد زنا که پدر ندارد.

در مورد این سه دلیل نظریات مخالف و موافق وجود دارد اما در حدیث صحیح که امام بخاری و مسلم روایت نموده اند و قبل از آورده شد دلیل قویتر این است که انسان بنام خودش و نام پدر ارش خطاب می شوند. خطاب بنام پدران معنی توهین به مادران نیست و نباید این موضوع را به تعصبات دنیوی که داریم ارتباط داد . برای مناقشه و نظریات متفاوت مراجعه شود به :

[Http://www.islamway.com/?iw_s=Fatawa](http://www.islamway.com/?iw_s=Fatawa)
www.ahlalhdeeth.com/vb/showthread.php?t=78620

در قضایای متعلق به روز جزا و حساب بهتر است به آنچه قرآن کریم بیان و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم تفسیر و بیان نموده خارج نشویم. اکثر مسائل بعد از مرگ و روز قیامت از جمله ایمان به غیب است و ایمان به غیب رکن مهم از رکان عقیده اسلامی است. مهمترین موضوع روز قیامت عدلت الهی و حساب به ذره از مثقال است و مسلمان باید در دنیا آماده حساب و تصفیه باشد و حسابات را به روز آخرت نگذارد زیرا تصفیه ای حساب با مردم در دنیا بسیار ساده و آسانتر نسبت به حساب در آخرت است.